بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد محارب 1](#_Toc427655089)

[تعریف محارب 1](#_Toc427655090)

[کفایت دو قید 2](#_Toc427655091)

[استقلال عنوانی محاربیت 2](#_Toc427655092)

[آیه افساد فی‌الارض نزد عامه 3](#_Toc427655093)

[تفاوت قول عامه و خاصه در این فرض 3](#_Toc427655094)

[عنوان مفسد و محارب 3](#_Toc427655095)

[مستندات محارب 4](#_Toc427655096)

[روایت اول 4](#_Toc427655097)

[شأن نزول آیه محارب 5](#_Toc427655098)

[احتمالات در آیه محارب 5](#_Toc427655099)

# حد محارب

فصل ششم در قبال محارب است.

# تعریف محارب

تعریفی که از محارب ارائه‌شده است در متن بدین‌صورت است که؛

**«المحارب هو کلّ من جرّد سلاحه أو جهّزه لإخافة الناس و إرادة الإفساد فی الأرض فی برٍّ کان أو فی بحر، فی مصر أو غیره، لیلًا أو نهاراً، و لا یشترط کونه من أهل الریبة مع تحقّق ما ذکر، و یستوی فیه الذکر و الأنثی و فی ثبوته للمجرّد سلاحه بالقصد المزبور مع کونه ضعیفاً لا یتحقّق من إخافته خوف لأحد إشکال، بل منع. نعم، لو کان ضعیفاً لکن لا بحدّ لا یتحقّق الخوف من إخافته، بل یتحقّق فی بعض الأحیان و الأشخاص، فالظاهر کونه داخلًا فیه» [[1]](#footnote-1)**

محارب کسی است که دست به سلاح ببرد و مردم را بترساند. نه اینکه قصد دفاع از خود را داشته باشد، او درواقع فسادی در زمین باوجود می‌آورد و قصدی در قبال ترساندن مردم و بر هم زدن نظم جامعه دارد. در این حکم مذکر و مؤنث برابر هستند و مکان آن نیز فرقی نمی‌کند که در دریا یا خشکی یا مکان دیگری باشد.

# کفایت دو قید

سؤالی که در اینجا وجود دارد، این است که آیا دو قید بیرون آوردن اسلحه و قصد اخافه مردم به‌تنهایی در تحقق این عنوان کفایت می‌کند؟

بین قصد اخافه و ترسیدن مردم عموم و خصوص من وجه وجود دارد، پس قصد اخافه شرط است، اما این سؤال وجود دارد که علاوه بر این قصد، تحقق آن از ناحیه مردم نیز شرط است؟ اگر این امر شرط شود، در آن زمان برخی از افراد ضعیف‌النفس در جامعه هستند که با کوچک‌ترین امری می‌ترسند، آیا حکم آن‌ها را بااین‌وجود در برمی‌گیرد یا آنکه منظور تحقق خوف عموم و معمول افراد است؟

ظاهر امر این است که این عنوان داخل در مفهوم است.

# استقلال عنوانی محاربیت

محارب بودن عنوانی مستقل است و ارتباطی به سارق بودن ندارد، چراکه ممکن است کسی تاکنون سرقتی نکرده باشد و خلافی نیز از او سر نزده باشد، اما دست به تجرید سلاح و محارب بودن زده است. پس این عنوان مستقلی است که مدنظر علماء خاصه بوده و در فقه عامه ذیل عنوان قطاع الطریق موردبحث قرارگرفته است.

اصل این حکم در سوره مائده در آیات سی‌وسه و سی‌وچهار مطرح‌شده است که؛

**«إِنَّما جَزاءُ الَّذِینَ یحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً أَنْ یقَتَّلُوا أَوْ یصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَیدِیهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ ینْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِک لَهُمْ خِزْی فِی الدُّنْیا وَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظِیمٌ»[[2]](#footnote-2)**

## آیه افساد فی‌الارض نزد عامه

عامه در ذیل این آیه از ابن عباس نقل کرده‌اند که این آیه در قبال قطاع الطریق و مسلمانانی که راهزنی می‌کردند، واردشده است. مالکی و شافعی و عده دیگری نیز همین کلام را گفته‌اند.

نظر دومی که در میان آن‌ها وجود دارد، این است که آیه در قبال مرتدین نازل‌شده است، بنا بر نظر اول که غالب فقهای عامه بدان قائل شده‌اند، می‌گویند در حقیقت محارب کسی است که دست به سلاح بزند برای اینکه نوعی خاص از سرقت را انجام دهد. لذا عامه محارب را بدین‌صورت معنی کرده‌اند که؛ اگر تشهیر سلاح به‌صورت علنی برای غصب مال که مربوط به قطاعین طریق در بیابان است، صورت گیرد، بر آن صدق عنوان محارب می‌کند.

## تفاوت قول عامه و خاصه در این فرض

در میان آن‌ها برخی از صحرا فراتر رفته‌اند و شهر را نیز بدان ملحق کرده‌اند، پس یک تفاوت اساسی در تعریف محارب در میان عامه و خاصه وجود دارد. و آن تفاوت اصلی در قید اخذ مال است که در میان خاصه این قید وجود ندارد. سرش نیز این است که عامه محارب را به قطاع الطریق معنا کرده‌اند. امر مشترک در میان عامه و خاصه قید تشهیر سلاح است. اما اینکه خوف مردم تحقق پیدا کند، در شرطیت این اختلاف‌نظر وجود دارد.

### عنوان مفسد و محارب

بین عنوان محارب و مفسد فی‌الارض چه رابطه‌ای وجود دارد، این‌یکی از مباحث مهم و اساسی است که باید بدان پرداخته شود؟ آیا مفسد عنوانی مستقل از محارب است؟

عمده دلیلی که در اینجا وجود دارد همان آیه ذکرشده از سوره بقره است، قبل از اینکه در قبال آیه محارب بحث شود، به آیه سی‌ودو از این سوره توجه شود که؛

**«مِنْ أَجْلِ ذلِک کتَبْنا عَلی بَنِی إِسْرائِیلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَیرِ نَفْسٍ أَوْ فَسادٍ فِی الْأَرْضِ فَکأَنَّما قَتَلَ النَّاسَ جَمِیعاً وَ مَنْ أَحْیاها فَکأَنَّما أَحْیا النَّاسَ جَمِیعاً» [[3]](#footnote-3)**

پس‌ازاین آیه مربوط به محارب ذکرشده است که در طی آن به حکم‌های چندگانه در قبال محارب پرداخته‌شده است.

### مستندات محارب

روایاتی در این زمینه واردشده که در وسایل ذکرشده است.

### روایت اول

این روایت، روایتی معتبره است؛

**«مُحَمَّدُ بْنُ یحْیی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی أَیوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ شَهَرَ السِّلَاحَ فِی مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ فَعَقَرَ اقْتُصَّ مِنْهُ وَ نُفِی مِنْ تِلْک الْبَلْدَةِ وَ مَنْ شَهَرَ السِّلَاحَ فِی غَیرِ الْأَمْصَارِ وَ ضَرَبَ وَ عَقَرَ وَ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ یقْتُلْ فَهُوَ مُحَارِبٌ فَجَزَاؤُهُ جَزَاءُ الْمُحَارِبِ وَ أَمْرُهُ إِلَی الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَ [إِنْ شَاءَ] صَلَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ قَطَعَ یدَهُ وَ رِجْلَهُ قَالَ وَ إِنْ ضَرَبَ وَ قَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ فَعَلَی الْإِمَامِ أَنْ یقْطَعَ یدَهُ الْیمْنَی بِالسَّرِقَةِ ثُمَّ یدْفَعَهُ إِلَی أَوْلِیاءِ الْمَقْتُولِ فَیتْبَعُونَهُ بِالْمَالِ ثُمَّ یقْتُلُونَهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عُبَیدَةَ أَصْلَحَک اللَّهُ أَ رَأَیتَ إِنْ عَفَا عَنْهُ أَوْلِیاءُ الْمَقْتُولِ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنْ عَفَوْا عَنْهُ فَإِنَّ عَلَی الْإِمَامِ أَنْ یقْتُلَهُ لِأَنَّهُ قَدْ حَارَبَ وَ قَتَلَ وَ سَرَقَ قَالَ فَقَالَ أَبُو عُبَیدَةَ أَ رَأَیتَ إِنْ أَرَادَ أَوْلِیاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ یأْخُذُوا مِنْهُ الدِّیةَ وَ یدَعُونَهُ أَ لَهُمْ ذَلِک قَالَ فَقَالَ لَا عَلَیهِ الْقَتْلُ.»[[4]](#footnote-4)**

در تعریف محارب در این آیه آنچه شرط دانسته شده است؛ تشهیر سلاح برای اخافه مردم است، اما اینکه اخذ مال نیز شرط باشد، در قبال آن گفته‌شده که با عنوان محارب گاهی اخذ مال نیز همراه است و گاهی همراه نیست.

### شأن نزول آیه محارب

همان‌طور که گذشت در شأن نزول این آیه نظریات مختلفی مطرح‌شده است که چندان نمی‌توان به آن‌ها تکیه نمود چراکه شأن نزول‌ها معمولاً اعتباری ندارند. شأن نزول نیز نمی‌تواند مخصص باشد.

در این آیه شریفه چند جهت وجود دارد که لازم است با قطع‌نظر از روایات بدان پرداخته شود؛

طبعاً بر اساس این قول که ظواهر آیات معتبر است می‌توان به آیه تمسک نمود. در آیه شریفه دو قید وجود دارد؛ سعی بر فساد در زمین و محارب بودن. تقریباً می‌توان گفت بین این دو عنوان، عموم و خصوص مطلق وجود دارد. اما سؤالی که در اینجا وجود دارد، این است که آیا این دو عنوان مستقل هستند یا خیر؟

### احتمالات در آیه محارب

در این آیه سه احتمال وجود دارد که؛ دو عنوان به نحو مستقل موضوع حکم باشند، یعنی در حقیقت در اینجا دو حکم ذکرشده است، احتمال دوم این است که این دو عنوان حالت ترکیبی داشته باشد و واو برای جمع باشد؛ یعنی عنوان این حد، محاربی است که مفسد است. احتمال سوم این است که یکی از این دو اصل و دیگری فرع است که باز نیز در اینجا دو احتمال وجود دارد که کدام اصل و دیگری مصداق از آن و حکمت حکم باشد.

1. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 637 [↑](#footnote-ref-1)
2. 33/مائده [↑](#footnote-ref-2)
3. 32/مائده [↑](#footnote-ref-3)
4. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 248 [↑](#footnote-ref-4)